پرونده هسته‌ای ایران در بن‌بست پس از جنگ

وتوی چین و روسیه، پیروزی تاکتیکی یا پایان یک مسیر؟

در یک سال گذشته، پرونده هسته‌ای ایران بیش از هر زمان دیگری به صحنه تقابل دیپلماسی و قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. فعال شدن «مکانیزم ماشه» از سوی سه کشور اروپایی در سال گذشته، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل و تشدید فشارهای سیاسی، قرار بود ایران را به پذیرش مطالبات غرب وادار کند؛ اما روند تحولات نشان داده که نه فشار حقوقی به نتیجه قطعی رسیده و نه گزینه نظامی توانسته مساله هسته‌ای را حل کند. جدیدترین حلقه این تقابل، نشست شورای امنیت سازمان ملل بود؛ جایی که ایالات متحده پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای تمدید سازوکار نظارت بر تحریم‌های ایران ارایه کرد، اما روسیه و چین با استفاده از حق وتو مانع تصویب آن شدند. هر دو کشور تأکید کردند که بازگشت تحریم‌ها و سازوکارهای مرتبط با آن فاقد مبنای حقوقی است و پرونده هسته‌ای ایران تنها باید از مسیر گفت‌وگو و دیپلماسی پیگیری شود. این اتفاق اگرچه به معنای پایان اختلافات هسته‌ای نیست، اما از منظر تهران یک دستاورد مهم دیپلماتیک محسوب می‌شود؛ زیرا امریکا نتوانست اجماع کامل شورای امنیت را برای پیشبرد سیاست فشار علیه ایران به دست آورد.

◀ از مکانیزم ماشه تا بازگشت تحریم‌ها

تابستان سال گذشته، سه کشور اروپایی عضو برجام با استناد به سازوکار موسوم به «مکانیزم ماشه» روند بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل را آغاز کردند. ایران، روسیه و چین از همان زمان این اقدام را فاقد وجاهت حقوقی دانستند و استدلال کردند که استفاده از این سازوکار پس از فروپاشی عملی برجام، مبنای قانونی ندارد.

همین اختلاف حقوقی، امروز نیز محور اصلی نزاع در شورای امنیت است. مسکو و پکن معتقدند نهادی که بر اساس تحریم‌های بازگشته تشکیل می‌شود، مشروعیت حقوقی ندارد و بنابراین تمدید ماموریت آن نیز قابل پذیرش نیست. در مقابل، امریکا و متحدان اروپایی استدلال می‌کنند که ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند نبوده و ادامه نظارت بین‌المللی برای اجرای تحریم‌ها ضروری است. اما وتوی روسیه و چین نشان داد که شورای امنیت دیگر درباره پرونده ایران از اجماع گذشته برخوردار نیست.

◀ وتوی شورای امنیت؛ شکست دیپلماتیک واشنگتن

پیش‌نویس امریکا با هدف تمدید ماموریت هیات کارشناسان سازمان ملل برای رصد اجرای تحریم‌های ایران تنظیم شده بود. این هیات مسوول بررسی نقض تحریم‌ها، گزارش‌دهی به شورای امنیت و ارایه پیشنهادهای اجرایی بود، اما با وتوی دو عضو دایم شورا، ماموریت آن تمدید نشد.

از منظر ایران، اهمیت این رخداد تنها در یک رأی منفی خلاصه نمی‌شود. برای نخستین بار پس از فعال شدن مکانیزم ماشه، دو قدرت بزرگ جهانی به صورت رسمی در شورای امنیت مقابل تلاش امریکا برای گسترش سازوکار تحریم ایستادند. این موضوع نشان می‌دهد که حتی در اوج فشارهای سیاسی، واشنگتن نتوانسته اجماع جهانی کاملی علیه ایران ایجاد کند. البته باید میان «وتوی قطعنامه» و «لغو تحریم‌ها» تفاوت قائل شد. وتو به معنای حذف تحریم‌های بازگشته نیست، بلکه صرفاً مانع توسعه یکی از ابزارهای نظارتی امریکا در شورای امنیت شده است. بنابراین این رخداد یک پیروزی تاکتیکی برای ایران است، نه پایان منازعه حقوقی. محمدباقر قالیباف رییس مجلس شورای اسلامی ایران در واکنش به وتوی این قطعنامه در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: نظم تک‌قطبی که در آن یک طرف با زور و اجبار امتیازگیری می‌کرد، به پایان رسیده است. وتوی چین و روسیه سوءاستفاده سیاسی از شورای امنیت را رد کرد و حاکمیت قانون را مجدداً تثبیت نمود. ما باید از چندجانبه‌گرایی دفاع کنیم؛ زیرا یک‌جانبه‌گرایی در خدمت منافع هیچ‌کس نیست.

◀ تفسیر متفاوت روسیه و چین از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

این اقدام با استدلال حقوقی مشخصی همراه بود که ریشه در تفسیر قطعنامه ۲۲۳۱ دارد. اختلاف اصلی به تفسیر حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ (مصوب ۲۰۱۵) بازمی‌گردد که تأییدکننده توافق برجام بود. این قطعنامه تمام قطعنامه‌های تحریمی قبلی علیه ایران، از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ را به حالت تعلیق درآورده بود. همچنین طبق بند ۸ این قطعنامه، تمامی مفاد آن قرار بود در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) منقضی شود و شورای امنیت رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران را خاتمه دهد.

روسیه و چین معتقدند که قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ مقرر منقضی شده و پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت خارج شده است. بر این اساس، تلاش برای احیای کمیته تحریم‌ها و هیات کارشناسان را فاقد مبنای حقوقی و رویه‌ای می‌دانند و آن را «سوءاستفاده آشکار از رویه» شورا توصیف کرده‌اند.

در این راستا، نماینده روسیه در شورای امنیت در نشست امروز گفت: قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و از دستور کار خارج شده است؛ بنابراین برگزاری نشست امروز بر سر این موضوع، کاملاً فاقد وجاهت قانونی و رویه‌ای است.

واسیلی نبنزیا افزود: ما تلاش برخی اعضا برای ایجاد توهم «مشروعیت» از طریق ادعاهای مربوط به سازوکار «اسنپ‌بک» (بازگشت خودکار تحریم‌ها) را به‌طور قاطع رد می‌کنیم. روسیه با غیرقانونی خواندن این نشست بر سر دستور کار منقضی‌شده، خواستار رأی‌گیری رویه‌ای برای تصویب دستور کار جلسه شد.

این در حالی است که کشورهای اروپایی (آلمان، فرانسه، بریتانیا) و امریکا در آگوست ۲۰۲۵ «مکانیسم ماشه» (Snapback) را فعال کردند. آنها بر این باورند که با فعال شدن این مکانیسم، تحریم‌های قبلی سازمان ملل متحد به‌طور خودکار و قانونی احیا شده‌اند و در نتیجه، کمیته تحریم‌ها و هیات کارشناسان نیز به‌طور خودکار بازسازی شده‌اند. بر همین اساس است که نماینده امریکا در شورای امنیت در نشست امروز در واکنش به وتوی پیش‌نویس قطعنامه کشورش علیه ایران مدعی شد: وتوی تمدید تحریم‌ها علیه ایران توسط چین و روسیه خلاف قواعد بین‌المللی است.

◀ مسدود شدن مسیر سازمان ملل برای احیای تحریم‌های ایران

واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تمدید فعالیت کمیته تحریم‌ها علیه ایران را غیرقانونی خواند و با بیان اینکه تحریم‌های اسنپ‌بک علیه ایران هیچ مبنای قانونی ندارد، اظهار کرد: قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و از دستور کار خارج شده است بنابراین برگزاری نشست امروز بر سر این موضوع، کاملا فاقد مبنای قانونی است.

وی افزود: ما تلاش برخی اعضا برای ایجاد توهم مشروعی از طریق ادعاهای مربوط به سازوکار اسنپ‌بک (بازگشت خودکار تحریم‌ها) را به‌طور قاطع رد می‌کنیم.

نماینده چین در شورای امنیت با اشاره به انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، تصریح کرد که شورای امنیت بررسی پرونده هسته‌ای ایران را به پایان رسانده است. پکن با ابراز مخالفت صریح با رویکرد امریکا، تأکید کرد که شورای امنیت نباید به سکویی برای پیشبرد اهداف یک‌جانبه‌گرایانه تبدیل شود. چین از تمامی طرف‌ها خواست به‌جای اقدامات تنش‌زا، برای حفظ اعتبار چندجانبه‌گرایی و ایجاد شرایط برای حل سیاسی پرونده هسته‌ای ایران، نقشی سازنده ایفا کنند. نماینده پاکستان به عنوان کشور میانجی در جنگ امریکا علیه ایران، در شورای امنیت سازمان ملل گفت: پاکستان به کمک‌های دیپلماتیک خود برای احیای مذاکرات و رفع تنش ادامه خواهد داد.

او با تاکید بر اینکه شرایط «بسیار پیچیده‌تر» شده، افزود: به همین دلیل پاکستان به این قطعنامه رای ممتنع داد. این قطعنامه که به سازوکار اسنپ بک مربوط می‌شود، موضوعی مربوط به ۱۰ سال پیش است و باعث چالش در روند دیپلماسی می‌شود.

وتوی روسیه و چین، مسیر چندجانبه سازمان ملل برای احیای تحریم‌ها را مسدود کرده است. با این حال، ایالات متحده و اروپا با اتکا به ابزارهای یک‌جانبه، ثانویه و مستقل خود، به دنبال حفظ و تشدید فشار بر ایران هستند. این رویکرد شامل تشدید تحریم‌های اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی دیگر، و تقویت حضور نظامی در منطقه است.

در عمل، این اقدامات نشان‌دهنده انتقال میدان نبرد حقوقی و سیاسی از شورای امنیت به عرصه‌های دیگر خواهد بود، هرچند اثربخشی کامل آنها با مقاومت کشورهایی مانند چین و روسیه و همچنین هزینه‌های اقتصادی و سیاسی برای خود غرب محدود می‌شود.

نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک در پیامی در شبکه مجازی ایکس با اشاره به نشست امروز شورای امنیت سازمان ملل، که در آن پیش‌نویس قطعنامه ایالات متحده که با انگیزه‌های سیاسی و با هدف احیای ماموریت «هیات کارشناسان» کمیته غیرقانونی ۱۷۳۷ ارایه شده بود، به تصویب نرسید گفت: روسیه و چین بار دیگر قاطعانه از منشور سازمان ملل، حقوق بین‌الملل و یکپارچگی شورا دفاع کردند و مانع از تلاش مذبوحانه دیگری از سوی ایالات متحده و متحدانش برای سوءاستفاده از شورای امنیت در راستای اهداف سیاسی خود شدند. نمایندگی کشورمان از روسیه و چین به خاطر مواضع اصولی و ثابت و اقدامات قاطعانه امروزشان قدردانی کرد و افزود: همچنین از سومالی و پاکستان به دلیل مواضع ارزشمند و رأی ممتنع آنها تقدیر می‌کنیم.

نمایندگی ایران اظهار کرد: ایران بر موضع اصولی، دیرینه و ثابت خود تأکید مجدد می‌کند که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به‌طور قطعی منقضی شده است. از آن تاریخ، تمامی مفاد، اقدامات، محدودیت‌ها و سازوکارهای مرتبط با موضوع هسته‌ای برای همیشه پایان یافت؛ شورای امنیت به بررسی پرونده هسته‌ای ایران خاتمه داد و موضوع «عدم اشاعه» از دستور کار حذف شد.

◀ جهان همچنان از دیپلماسی سخن می‌گوید

نکته قابل توجه این است که حتی در متن پیش‌نویس کشورهای غربی نیز بر ضرورت یافتن راه‌حل دیپلماتیک برای پرونده هسته‌ای تأکید شده بود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام و بسیاری از بازیگران بین‌المللی همچنان معتقدند بحران هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی ندارد و تنها از طریق مذاکره قابل مدیریت است. اما مشکل دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود؛ زیرا مسیر دیپلماسی پس از دو جنگ اخیر عملاً تضعیف شده است. بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط امریکا و اسراییل، فضای اعتماد میان تهران و نهادهای بین‌المللی را به‌شدت کاهش داد. پس از آن، ایران همکاری‌های خود با بازرسان آژانس را محدود کرد و اختلافات درباره دسترسی به سایت‌های آسیب‌دیده وارد مرحله‌ای تازه شد. در نتیجه، جهان از مذاکره سخن می‌گوید، اما ابزار رسیدن به مذاکره را خود جنگ تضعیف کرده است.

◀ موضع ایران؛ دیپلماسی همراه با حفظ حقوق هسته‌ای

مقام‌های ایرانی طی ماه‌های گذشته بارها تأکید کرده‌اند که اصل مذاکره را رد نمی‌کنند، اما گفت‌وگو باید بر پایه احترام متقابل و حفظ حقوق هسته‌ای ایران باشد. تهران همچنان بر حق غنی‌سازی صلح‌آمیز، توسعه فناوری هسته‌ای و مخالفت با فشارهای یکجانبه تأکید دارد. از نگاه ایران، تجربه برجام نشان داد که توافق بدون تضمین اجرایی نمی‌تواند ثبات بلندمدت ایجاد کند؛ به همین دلیل، هر گونه گفت‌وگوی جدید باید با ضمانت‌های روشن همراه باشد. همزمان، ایران استدلال می‌کند که حمله به مراکز هسته‌ای نه تنها برنامه هسته‌ای را متوقف نکرده، بلکه بی‌اعتمادی نسبت به سازوکارهای بین‌المللی را افزایش داده است. این موضع سبب شده تهران همزمان دو پیام متفاوت اما مکمل ارسال کند: آمادگی برای دیپلماسی و مخالفت با عقب‌نشینی از حقوق هسته‌ای.

◀ بن‌بستی که جنگ ساخت

شاید مهم‌ترین ویژگی وضعیت کنونی، شکل‌گیری یک بن‌بست چندلایه باشد. امریکا با هدف افزایش فشار اقتصادی و محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران وارد مسیر تقابل شد، اما نتوانست اجماع کامل شورای امنیت را حفظ کند و حتی در آخرین قطعنامه با وتوی روسیه و چین روبرو شد.

از سوی دیگر، ایران نیز اگرچه توانسته بخشی از فشار دیپلماتیک را خنثی کند، اما همچنان با تحریم‌های گسترده، محدودیت‌های بانکی و اختلاف عمیق با آژانس مواجه است. این یعنی نه فشار حداکثری به اهداف نهایی خود رسیده و نه دیپلماسی توانسته جایگزین تقابل شود. واقعیت این است که جنگ، معادله هسته‌ای را پیچیده‌تر کرده است. حمله نظامی نتوانست پرونده هسته‌ای را ببندد و همزمان فضای لازم برای بازگشت به مذاکره را نیز از بین برد. اکنون دو طرف در نقطه‌ای ایستاده‌اند که هیچ‌کدام به هدف اصلی خود نرسیده‌اند: امریکا نتوانسته برنامه هسته‌ای ایران را از مسیر فشار متوقف کند و ایران نیز هنوز راهی برای خروج کامل از چرخه تحریم‌ها پیدا نکرده است. تحولات اخیر شورای امنیت نشان داد که پرونده هسته‌ای ایران همچنان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت قدرت‌های جهانی است. وتوی روسیه و چین را می‌توان یک موفقیت دیپلماتیک برای تهران و نشانه‌ای از شکست امریکا در ایجاد اجماع بین‌المللی دانست، اما این موفقیت به معنای حل بحران نیست. امروز مساله اصلی، بن‌بستی است که پس از جنگ شکل گرفته؛ بن‌بستی که در آن گزینه نظامی کارآمد نبوده و مسیر دیپلماسی نیز به‌شدت محدود شده است. تا زمانی که اعتماد سیاسی بازسازی نشود، پرونده هسته‌ای ایران بیش از آنکه به توافق نزدیک شود، در مدار تقابل و مدیریت بحران باقی خواهد ماند.

فرشاد مومنی بررسی کرد

اداره اقتصاد جنگی در دفاع مقدس و چالش‌ها و چشم‌اندازهای امروز اداره اقتصاد ایران

فرشاد مومنی در یک نشست که به میزبانی موسسه مطالعات دین و اقتصاد با موضوع «اداره اقتصاد جنگی در هشت سال دفاع مقدس و چالش‌ها و چشم‌اندازهای امروز اداره اقتصاد ایران» برگزار شد، اظهار کرد: در مطالعاتی که اکنون در اختیار ما قرار داده می‌شود و مجموعه کارهایی که انجام شده با ۷ ضابطه، عملکرد کلی نظام اقتصادی اجتماعی ایران در دوران جنگ تحمیلی مورد مقایسه قرار گرفته است و تمامی آنها حکایت از این دارد که این یک کارنامه افتخارآمیزی بوده است. مثلا به فرض دوره جنگ را با دوره مشابه آخرین سال‌های پهلوی مقایسه کردند. تلفات ناشی از قحطی و اپیدمی در جنگ تحمیلی را با زمانی که فقط نسیمی از جنگ با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم به صورت این اقتصاد خورده و این کارنامه‌ها را بین ایران و عراق مورد مقایسه قرار دادند.

او ادامه داد: یا مثلا دوره جنگ ایران را با دوره پس از جنگ مقایسه کردند و این تجربه را با تجربه‌های مشابه در جنبش اجتماعی فراگیر دیگر ایرانیان در قرن بیستم یعنی جنبش مشروطه و جنبش ملی شدن نفت مورد مقایسه قرار دادند. بعضی با متدی که ماکس وبر مطرح می‌کند. یعنی یک آیدی تایپ را در نظر می‌گیرند تحت عنوان دولت توسعه‌گرا و استانداردهای توجه شده در دوره جنگ را از این زاویه با دوره‌های قبل و بعدش مورد مقایسه قرار دادند. از هر کدام از اینها که وارد می‌شویم می‌بینیم که یک افتخار خیلی بزرگی نصیب مردم ایران شده است.

◀ عدم ثبت یک مورد مرگ و میر ناشی از قحطی یا اپیدمی در دوران دفاع مقدس

وی در ادامه افزود: یک عده‌ای مثل دوستی خاله خرسه که به هر دلیل می‌خواهند نقش برخی افراد را در آن کارنامه یا نادیده بگیرند یا کمرنگ کنند در این راستا حاضر می‌شوند بگویند یک دوره طولانی در جمهوری اسلامی کارنامه نداشته در حالی که وقتی که از زاویه افتخارات بی‌سابقه‌ای که در این دوره نصیب ملت ایران شده، مساله را نگاه می‌کنید می‌بینید که اینها سوراخ دعا را گم کردند زیرا یک فرد به تنهایی کاری نمی‌تواند بکند.

او ادامه داد: اگر یک نظام اجتماعی که از دریچه سازه‌های ذهنی، نظام قاعده‌گذاری و نظام توزیع منافع، آن جهت‌گیری‌ها را پشتیبانی نکند که فرد کاری نمی‌تواند بکند. برای اولین بار در تاریخ ایران در این جنگ هشت‌ساله که یکی از طولانی‌ترین جنگ‌ها هم هست حتی یک مرگ و میر ثبت شده ناشی از قحطی و اپیدمی نداشتیم. در تاریخ ایران چنین چیزی بی‌نظیر است. در تاریخ ۴۰۰ ساله گذشته ایران اینکه درگیر یک جنگ طولانی و به غایت نابرابر شویم و حتی یک سانتی‌متر از سرزمینمان را از دست ندهیم، یک افتخار بی‌نظیر است.

◀ در جنگ ۸ ساله بزرگ‌ترین جهش در شاخص توسعه انسانی رخ داد

این اقتصاددان با بیان اینکه در جنگ تحمیلی ۸ ساله علی‌رغم شرایط جنگی بزرگ‌ترین جهش در شاخص توسعه انسانی ایران رخ داده است، گفت: این جهش نه قبل از این دوره سابقه‌ای از آن وجود دارد و نه بعد از آن دیگر چنین جهشی رخ داده و ده‌ها مورد از اینها نشان‌دهنده این است که یک افتخار ملی بی‌نظیری در این دوره فراهم شده که اگر به درستی و عالمانه مورد شناسایی قرار گیرد، تحت هر شرایطی می‌تواند به کمک ما بیاید و خطاکاری و ندانم کاری و فسادها را برملا کند.

او ادامه داد: زنده‌یاد دکتر ناصر پاکدامن که از اساتید برجسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بودند بعد از انقلاب و قبل از اینکه جمهوری اسلامی و جنگ تحمیلی وجود داشته باشد یک کار تحقیقی خیلی ارزنده‌ای راجع به تلفات ناشی از قحطی و اپیدمی در اثر وزش نسیم جنگ جهانی دوم به ایران کردند. یعنی وقتی که در آن شرایط آنقدر وحشتناک آسیب پذیر بودیم و بعد در یک جنگ به غایت نابرابر گویی ایران به تنهایی با بقیه دنیا درگیر شده و کشورها از ترس تنبیه‌های امریکا با آن همراهی می‌کردند، می‌بینید حتی یک مورد مرگ و میر ثبت شده ناشی از قحطی و اپیدمی وجود ندارد پس معلوم می‌شود که یک سطحی از خرد و دانایی و پاکدامنی و علم‌محوری و اراده عالمانه سازمان یافته و نوآوری نهادی کم نظیر و بعضا بی‌نظیر رخ داده که توانسته چنین کارنامه‌ای را رقم بزند.

مومنی ادامه داد: در کتاب «اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی» که مرکز تحقیقات جنگ سپاه منتشر کرده گفته شده جمعیت عراق تقریبا یک سوم جمعیت ایران بوده و درآمد ارزی سالانه‌اش تقریبا ۳ برابر ما بوده و در شروع جنگ با وجود اینکه ذخایر ارزی آنها ۷ برابر ما بوده اما در پایان جنگ کشور عراق تمام ذخایر ارزی خود را خرج کرده، تمام درآمدهای جهش یافته نفتی آنها هم خرج شده و با ۱۰۰ میلیارد دلاری که عرب‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس به آن کمک بلاعوض کردند چیزی حدود ۱۵۰ میلیارد دلار هم بدهی خارجی داشته است. وقتی ما با اینکه امکاناتمان بسیار کمتر از آنها بوده با هیچ کدام از این عارضه‌ها روبرو نیستیم، این خیلی افتخار بزرگی است.

◀ کمبود ارز و ریال در کشور ادعایی بیش نیست

وی افزود: از دوره رفاه در پهلوی طی سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ که جهش قیمت نفت رخ داده میزان اهتمام حکومت نوپا به آموزش مردم، به سلامت مردم، به تغذیه، مسکن، رفاه و حمایت‌های اجتماعی از مردم و زیرساخت‌های فیزیکی برای فعالیت‌های تولیدی مردم، جهش بزرگی کرده است. مساله این است که کل درآمد ارزی ایران در دوره جنگ از درآمد یک سال ارزی کشور در بعضی از سال‌های جنگ کمتر بوده است. پس مساله ارز و ریال نیست که الان برخی هر خطای فاحشی که می‌شود، چون قادر به دفاع منطقی از آن نیستند می‌گویند ارز نداریم. یعنی با ادعای اینکه ما ارز نداریم از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، از داروی مردم، از مواد اولیه تولیدکننده کم می‌گذارند و بعد همانی که می‌گوید ارز نداریم می‌گوید اگر ارز را می‌خواهید به قیمت گران‌تر بخرید خودمان به شما می‌فروشیم! تو که ارز نداشتی چه طور می‌توانی در عرض یک سال بیش از ۸ میلیارد دلار صرف واردات طلا بکنی؟ با علم به اینکه واردات طلا نه تهدیدهای امنیت غذایی را برای مردم پوشش می‌دهد و نه تهدیدهای مربوط به سقوط تولید کشور را. پس می‌خواهی به طمع درآمد سوداگرانه بیشتر ریالی این کمیابی مصنوعی را به جامعه تحمیل کنی وگرنه مساله ما کمبود ارز و کمبود ریال نیست.

◀ پول سپرده‌گذاران موسسات مالی غیرمجاز را دادند، حقوق کارگران را نه!

مومنی با یادآوری دوره دوم دولت روحانی اظهار کرد: در این دوره به کارگران با شرف کارخانه‌های تولیدی که بین ۶ تا ۲۴ ماه حقوق نگرفته بودند، گفتند پول نداریم فعلا حقوقتان را بدهیم اما وقتی که سپرده‌گذاران موسسه‌های اعتباری فاقد مجوز یعنی غیرقانونی‌ها سر و صدایشان درآمد یک دفعه چند جلسه پشت سر هم گذاشتند و گفتند الحمدلله مساله موسسه‌های اعتباری غیرمجاز را مدیریت کردیم. من همان موقع گفتم از آن افرادی که این تصمیم را گرفتند دو نفر بنا به تعریف حقوقدان هستند. کجای دنیا تجاوز کار به قانون را با پرداخت ۳۶ هزار میلیارد تومان از دارایی که متعلق به مردم است و خواسته خرجی در حق آنها تامین کردید اسمش را مدیریت می‌گذارید؟ همزمان حقوق کارگرانی که برای شما کار کردند را می‌گویید ندارید بدهید. وی ادامه داد: اگر علم مبنا باشد در شرایطی که بازار یک کالایی بازار رقابت کامل نباشد اصلا لفظ سرکوب اعتبار ندارد. خود مقامات بانک مرکزی می‌گویند که بازار سیاه نرخ ارز ایران که اسمش را بازار آزاد گذاشتند، رسالت اصلیش تامین مالی واردات قاچاق و تامین مالی کسانی است که می‌خواهند سرمایه‌هایشان را غیرقانونی از کشور خارج کنند. اگر جلوی چنین موجودی را بگیری این اسمش سرکوب نرخ ارز است یا مهار کردن آزمندی قاچاقچی‌ها و کسانی که می‌خواهند با فرار سرمایه در این شرایط کمر ایران را بشکنند؟

◀ افزایش نرخ ارز تولیدکنندگان را اسیر رباخوارها می‌کند

این استاد دانشگاه تصریح کرد: در کشوری که ۸۵ درصد کالاهای اساسی و بیش از ۸۵ درصد داروهای مورد نیازش در داخل تولید می‌شود، ایجاد قحطی از طریق افزایش نرخ ارز چه معنایی دارد؟ می‌توانیم ۱۰ نمونه استدلال بیاوریم که اتفاقا وقتی که نرخ ارز بالا برده می‌شود، تولیدکننده‌ها چه دارو چه کالاهای اساسی را اسیر رباخوارها می‌کنید. در بخش کشاورزی با هر شوک نرخ ارزی که تقاضا برای ریال افزایش پیدا می‌کند، سیستم رسمی پولی کشور حداکثر ۱۰ درصد نیاز مالی سرمایه در گردش کشاورزها و حداکثر ۲۵ درصد سرمایه در گردش مورد نظر تولیدکننده‌های صنعتی را تامین می‌کند. بقیه را با این افزایش نرخ ارز به دامن رباخوارها سوق می‌دهید و بازار رباخواری را گرم می‌کنید. مومنی با اشاره به پیامدهای شوم نرخ ارز در جامعه اظهار کرد: وقتی که شوک نرخ ارز وارد می‌شود، تولیدکننده‌ها قادر به تامین مالی نهاده‌های تولید نمی‌شوند. سطح تولید را پایین می‌آورند. پس این افزایش نرخ ارز است که اقتصاد ایران را با خطر قحطی روبرو می‌کند نه عکس آن، ولی می‌بینید چگونه واژگونه‌سازی حقیقت می‌کنند و چقدر تاسف بار است که ده‌ها و بلکه صدها میلیون تومان ماهانه به اسم مشاوره اقتصادی خرج کسانی می‌شود که چنین داده‌های مجعول و ادعاهای بی‌پایه را فریبکارانه از زبان یک مقام مسوول جاری می‌کنند.

◀ کمیابی مصنوعی یعنی وجود جنس در بازار و عدم قدرت خرید جامعه

این اقتصاددان، شوک نرخ ارز را یکی از بزرگ‌ترین عوامل مالی‌سازی اقتصاد ایران دانست و گفت: مالی‌سازی اقتصاد یعنی موتور اصلی خلق ارزش به جای اینکه تولید فناورانه باشد، تجارت پول و انواع و اقسام سوداگری‌هاست. می‌گویند وقتی که جهت‌گیری‌های سیاست اقتصادی به سمت مالی‌سازی حرکت می‌کند، اقتصاد ملی و جامعه با کمیابی مصنوعی روبرو هستند. کمیابی مصنوعی یعنی اینکه جنس در بازار وجود دارد اما اکثریت جامعه پول ندارند که بخرند پس اگر در چنین شرایطی یک عده بگویند ما به اندازه کافی کالا تامین کردیم در واقع سرنا را از دهن گشادش می‌زنند. حتما می‌دانند که این فقرزایی سیاست‌های شوک درمانی و رهاسازی قیمت‌گذاری و خصوصی‌سازی‌های شبه غارتی و آزادسازی واردات با پشتیبانی‌های نظری مستحکم توضیح داده شده که چقدر فقرزا و فلاکت آفرین هستند. تاکید من این است که گام اصلی را بعد از این لطف کنید و بردارید. چرا یک وضعیتی اعلام نمی‌کنید که ریشه‌یابی کنند چه کار کرده‌ایم که گستره و عمق فقر در کشور اینگونه شده است؟

◀ بزرگ‌ترین افتخار دوره بعد از انقلاب کاهش سهم رانت، فساد و نابرابری بود

وی ضمن اشاره به کارنامه افتخارآمیز دوره جنگ ۸ ساله گفت: مافیاهایی که دستشان از مقدرات مردم کوتاه شده به اعتبار آن جهت‌گیری‌ها آدرس‌های عوضی می‌دهند و چون پمپاژ رسانه‌ای و پشتیبانی رسانه‌ای غیرعادی هم می‌شود، از زبان برخی آدم‌های مطرح هم تکرار می‌شود لذا می‌بینید کل ماجرا این است که آن دوره افتخارآمیز را با انواع و اقسام حیله و دروغ و تزویرها از حافظه تاریخی مردم ایران پاک می‌کنند در حالی که اگر غیرت و همیت دینی، ملی و مردمی وجود داشته باشد باید راجع به این مساله فکری کنیم. به محض اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد یکسال بعد در سال ۱۳۵۸ گفتند ایران با سقوط تولید روبرو شده است، بعد داده‌های رسمی را نگاه می‌کنید که منظور از سقوط چه بوده است مثلا گفتند رشد اقتصادی منفی پنج درصد شده است.

او ادامه داد: وقتی به عنوان کارشناس ریشه‌یابی می‌کنید که این رشد اقتصادی منفی چرا رخ داده است در خود گزارش‌هایی که سازمان برنامه منتشر کرده و من در کتاب «علم اقتصاد بحران در اقتصاد ایران» آوردم گفته شده به محض اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد رهبران انقلاب چون به مردم صدق می‌ورزیدند و به سوگندهایی که یاد کرده بودند صادقانه پایبند بودند، سهم صدور نفت خام از کل صادرات را نسبت به سال ۱۳۵۶، هشتاد درصد کاهش دادند. ببینید چقدر از مشارکت مردم و انرژی که انقلاب آزاد کرده اطمینان وجود دارد که پذیرفتند شوک مثلا منفی ۸۰ درصدی که خصلت رانتی داشته به این اقتصاد وارد کنند. این استاد دانشگاه اضافه کرد: طبق گزارش سازمان برنامه فقط از ناحیه این شوک، اقتصاد ایران باید حداقل در سال ۱۳۵۸ یک رشد منفی ۳۰ درصدی می‌داشت اما وقتی که رشد منفی ۵ درصد می‌شود یعنی این انرژی که آزاد شده و امیدی که به آینده در مردم ایجاد شده آنها را به سمت تولید و رفع وابستگی در اقلامی سوق داده که به سهولت قابل جایگزینی با واردات هستند. این بزرگ‌ترین افتخار دوره بعد از انقلاب است که سهم رانت را کم کردیم و ساقط کردن سهم رانت یعنی اینکه فساد و نابرابری و وابستگی ذلت‌آور به دنیای خارج کاهش پیدا می‌کند.

◀ فلسفه بیش از دو سوم مصادره‌ها قبل از انقلاب چه بود؟

مومنی در بخش دیگری از سخنان خود درباره ملی کردن صنایع خصوصی در کشور توضیح داد: متاسفانه در ادامه ترویج دروغ‌هایی که در تمام ابعاد وجود داشت، می‌گفتند یک عده چپ زده و چپ گرا که تجربه اجرایی هم نداشتند و احساساتی بودند صنایع خصوصی را در کشور ملی کردند. دکتر میکاییل عظیمی کتابی به اسم «سازمانی که بود» منتشر کرده که روایت شکل‌گیری سازمان صنایع ملی از محل این بنگاه‌های به اصطلاح مصادره شده است. ایشان رفته کارنامه این سازمان را از تاسیس تا انحلال بررسی کرده و یکی از یافته‌هایش این بوده که بیش از دو سوم مصادره‌ها فعل اصلیش مصادره نبوده بلکه ملی کردن بدهی‌های سرمایه‌دارهای فراری بوده است. یعنی چون بانک خصوصی داشتند، بی‌ضابطه می‌توانستند برای خودشان خلق اعتبار کنند و غیر معطوف به تولید و معطوف به تب سوداگری و مفت‌خوارگی دامن بزنند. وی ادامه داد: در این کتاب عنوان شده بیش از دو سوم مواردی که می‌گویند مصادره شده در حقیقت اعتبارات غیرعادی است که از طریق بانک‌های خصوصی داده شده و هیچ وثیقه‌ای هم برایش وجود نداشته است بعد همان اعتبارات را از طریق بانک‌های خصوصی تبدیل به ارز کرده و از کشور خارج کردند. آن چیزی که این ملی‌سازی‌ها بدنه اصلیش را تشکیل می‌دهد، اسمش قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران بوده است، یعنی با آن حساب‌سازی‌های فاسد پول گرفتند و تبدیل به ارز کردند و چندین برابر دارایی‌هایشان وام گرفتند و بعد هم فرار کردند و شورای انقلاب مانده با این همه واحد تولیدی بلاصاحب. او ادامه داد: در آن کتاب آقای دکتر میکاییل عظیمی با جزییات توضیح داده که اول دولت بازرگان نمی‌دانست جریان چیست و مصاحبه کردند و گفتند ما اصلا به حقوق مالکیت شما وفاداریم و احترام می‌گذاریم. بعد یک مصوبه گذراندند به اسم لایحه قانونی ۶۷۳۸ و گفتند تا این بنگاه‌ها تعیین تکلیف شوند، فعلا یک مدیر بگذاریم و از طریق دولت به آنها امکانات تزریق کنیم که کارگران بی‌پول نشوند و تولید هم معطل نماند. بعد که مدیران منصوب دولت، حساب صورت‌های مالی آنها را دیدند جریان را تعریف کردند و وقتی ماجرا را فهمیدند قانون حفاظت را گذاشتند و گفتند با منطق حفاظت و توسعه صنعتی ایران، بدهی‌های این فراری‌ها را به عهده می‌گیریم.

این اقتصاددان در توضیح بیشتر افزود: در همان قانون حفاظت یک مهلت دوازده ماهه گذاشته بودند که این مهلت چند بار تمدید و اعلام شده بود که اگر مالکان کارخانه برگردند و مسوولیت کارخانه خود را به عهده بگیرند با آنها به عنوان مجرم برخورد نمی‌شود، به عنوان بدهکار برخورد می‌شود فقط باید حساب و کتابشان را با بانک طلبکار روشن کنند و بدهی‌ها را برگردانند و نرم و لطیف با تولیدکننده‌ها برخورد شده است ولی این عده می‌گویند از اول اینها ضد تولید کار کردند و حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند.

◀ دولت به حساب کتاب بانک‌های خصوصی برسد

وی تصریح کرد: در بحث ملی‌سازی بانک‌ها وقتی دیدند که عنوان چپ گرا بودن به شهید بهشتی و مطهری و طالقانی و منتظری نمی‌توان داد گفتند این القائات حزب توده بود که اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی را ساخت. در شرایط اضطراری هر کشوری که بخواهد باقی بماند اولین کارش ملی کردن بانک‌هاست و الان هم به همین دولت می‌گوییم که به حساب کتاب بانک‌های خصوصی برسد و جلوی تخصیص اعتبار به مواردی که کیفیت نقدینگی را از بین می‌برد، بگیرد زیرا بانک خصوصی تقریبا هیچ رغبتی به اینکه وام به تولیدکننده‌ها بدهد ندارد ولی در بعضی از سال‌ها تا دو سوم سود ابرازی آنها از محل سوداگری با نرخ ارز اتفاق افتاده است. چقدر آدم باید غصه بخورد کسانی به اسم اقتصاددان و روشنفکر و دانشگاهی می‌گویند اگر بخواهیم مردم را حمایت کنیم باید کمک کنیم که سکه یا دلار بخرند در حالی که هنوز با فهم پیش از انقلاب کینزی اقتصاد را می‌فهمند و فکر می‌کنند که با ابزارهای اقتصاد خرد می‌توانند جلوی بحران را بگیرند.